

بزرگترین درسی که میتوان از تصاویر خطای دید گرفت

به احتمال زیاد شما هم تا کنون عکسهای زیادی در مورد خطای دید، ملاحظه کرده اید. مثلا این عکس رو ببینید:

یکم:

اکثرا مردم می گویند تا چیزی را با همین دوچشم خود نبینیم باور نمی کنیم. همچنین می گویند شنیدن کی بود مانند دیدن. اما اینجا می خواهیم بگوییم همیشه موقعیتها، اشیاء و مسائل آنطور هم که دیده می شود، ممکن است نباشند.

دوم:

بدون توجه به مسائل انتزاعی و برداشتها و تفسیرها، همین دیدن ساده اشیاء هم می تواند تحریف شود.

سوم:

اصطلاحی به عنوان اثر هاله ای، یا تاثیر زمینه در ادراک وجود دارد. به این مفهوم که معمولا مسائل حاشیه ای و اطراف يك موقعیت روی آن موقعیت تاثیر می گذارد.

تصور کنید قد فردی ۱۷۰ سانتیمتر است، اگر او را میان بازیکنان بلند قد بسکتبالپست که قدهایی بالای ۱۹۰ سانتیمتر دارند، قرار دهیم و از شخص سومی بخواهیم در مورد قد این فرد اظهار نظر کند، او ممکن است بگوید قد این فرد کوتاه هست. اما همین فرد ۱۷۰ سانتیمتری اگر در جمع افراد کوتاه قد زیر ۱۵۰ سانتیمتر ممکن است بلند قد به نظر برسد.

از این مسئله حتی در مسائل روانشناختی می توان بهره گرفت.

مثال:

آقایی با لباس تمییز و ست شده درب کافی شاپ را با احترام برای خانمی باز می کند، از پشت یکی از میزها يك صندلی را کمی بیرون می کشد و به آن خانم تعارف می کند، و بعد از گارسون خواهش می کند دو نوشیدنی برای آنها بیاورد. و پس از گرفتن نوشیدنی با لیخند از او تشکر می کند. لطفا پاسخ بدهید:

- 1- این آقا اجتماعی است؟
- 2- این آقا تحصیل کرده است؟
- 3- این آقا فرد خودساخته ای هست؟
- 4- این آقا از هوش بالایی برخوردار است؟
- 5- این آقا مهربان است؟
- 6- این آقا خونسرد است؟
- 7- این آقا مودب است؟
- 8- این آقا با اخلاق است؟

....و

آری شاید، شما هم دچار این تاثیر زمینه در ادراک شده باشید. با این توضیحات مشخص می شود که این آقا مودبانه برخورد می کند و سایر گزینه ها باید جداگانه بررسی شود. اما چرا همه ما تمایل داریم که جواب همه سئوالات بالا را مثبت بدهیم؟ چون اثر يك رفتار یا يك موقعیت در اطراف آن منتشر می شود. مودب بودن این آقا روی سایر برداشتهای ما از این آقا تاثیر می گذارد.

چهارم :

اگر تمرکز خود را روی يك بخش یا يك موقعیت متمرکز کنیم، روی يك صفت یا يك رفتار دقت کنیم، بیشتر می توانیم آن موقعیت را ارزیابی کنیم. و پس از اتمام ارزیابی، سراغ مسئله بعدی می رویم. در واقع ابتدا اجزاء يك موقعیت را تك به تك مورد بررسی قرار می دهیم و در انتها آنها را در رابطه با هم جمع بندی می کنیم.

مثلا در انتخاب همسر، به نگاه کلی به فرد نمی کنیم و عاشقش بشویم و مسئله تمام!!!!!!
باید تك تك معیارها را به صورت منفرد بررسی و ارزیابی کنیم. مسئولیت پذیری جدا، انعطاف پذیری جدا، مسائل اجتماعی جدا، مسائل مربوط به اوقات فراغت جدا، مسائل مربوط به نگاه جنسیتی جدا، مسائل مربوط به تقسیم وظایف و تصمیم گیری خانواده جدا، اعتقادات جدا، مسائل اخلاقی جدا، مسائل تحصیلی جدا و
بعد هم اینها را یکبار در رابطه با هم نیز ارزیابی می کنیم.

نتیجه گیری:

همانطور که در این اشکال وقتی به صورت کلی نگاه می کنیم به خاطر تاثیر متقابل اجزاء تصویر، به اشتباه حرکتی یا مسئله خاصی را درك می کنیم ، در مسائل واقعی زندگی هم ممکن است چنین اشتباهی را بکنیم. لذا بهتر است با تمرکز به جزئیات هر موقعیت یا به جزئیات رفتار دیگران ، شناخت عمیق تر و تحریف نشده ای را کسب کنیم. و بعد در مرحله بعد این جزئیات را در رابطه با هم ارزیابی کنیم.

به چشمان خود اعتماد کنید، به فکر و هوش خود اعتماد کنید، اما آسیب پذیری های آنها نیز بشناسید و آنچه ممکن است موجب تحریف آنها شود را بشناسید .

اگر شما بدانید عینکی با شیشه سبز به چشم زده اید، که رنگ اشیاء را تحریف کرده و به رنگ سبز نشان می دهد، دیگر گاه را با خوش باوری یونجه نمی بینید.

یکی از این تحریف ها، تحریف عشق است.

عشق می تواند نگاه ما را به معشوق تحریف کند. احساسهای ناشی از هورمونهای جنسی گاهی تمرکز ما را از تك تك خصوصیات معشوق می گرداند و کلیتی متحرك و پویا نشان می دهد. در حالیکه نگاه متمرکز و عمیق به خصوصیات منفرد معشوق شاید، موضوع دیگری را پیش روی ما بگذارد.